

کاربرد بناهای تاریخی اصفهان در عصر پهلوی

دکتر کورش صالحی، استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان
سمانه عسگری، کارشناس ارشد تاریخ

چکیده

بررسی بناهای تاریخی اصفهان در عصر پهلوی از استقرار ادارات تا باغ موزه شدن، موضوعی است که در این پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد. تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی و رویداد بر تخت نشستن رضاخان سبب طرح مساله اصلاحات و تشکیل دولت مدرن در سراسر ایران گردید. در این میان اصفهان به عنوان استان دهم از این تغییرات مستثنی نبود. در این شهر اداری به مانند ثبت احوال، ثبت اسناد و املاک و... که به دلیل نیاز دولت جدید، ایجاد شدند، در بناهایی نظیر عالی قاپو، چهل ستون، هشت بهشت، باغ کاج و... مستقر شدند. سرانجام با روند قدرت گرفتن نهادهای جهانی حفظ آثار و ابنیه تاریخی و همچنین استهلاک و تخریبی که در اثر کاربری اداری بر این ابنیه وارد شده بود، وی فرمانی مبنی بر باغ موزه شدن این بناها صادر کرد. در این مقاله سعی بر این است که کاربرد بناهای تاریخی اصفهان در دوره پهلوی را با توجه به اسناد و منابع بررسی نماید و همچنین معلوم نماید که بناهایی نظیر عالی قاپو، چهل ستون، هشت بهشت، باغ کاج و... چه سرنوشتی داشتند؟ فرض این تحقیق بر این است که تمهیدات دولت مدرن در بازسازی این ابنیه موثر بوده است و از دیگر سو کاربری این اماکن به عنوان ادارات دولتی در وارد آمدن خسارات به آنان موثر بوده است.

واژگان کلیدی: عصر پهلوی، دولت مدرن، رضاشاه، عالی قاپو، هشت بهشت.

تاریخ دریافت: ۸۹/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۱۵

E-mail: salehi@lihu.usb.ac.ir

مقدمه

اصفهان از شهرهایی است که در طول تاریخ مورد توجه حاکمان و مردمان بوده است. اقلیم، شرایط طبیعی و وجود رودخانه‌ی زاینده‌رود بر این اهمیت به عنوان یک مکان تجمع انسانی و تمدنی افزوده است. این شهر تاریخی در گذشته و در طی اعصار مختلف، شامل آبادی‌های کوچک و بزرگ، محله‌ها، قصرها و باغ‌های بسیار بوده است. در عصر باستان گابای (گابه - جی معرب) و پرتیکان بسیار معروف بوده‌اند. در دوران ساسانیان دو شهر جی و یهودیه دارای اهمیت بسیار بودند که در مجموع آن را سپاهان می‌نامیدند. در ادوار حکومت‌های آل‌بویه و سلجوقیان نیز شهر اصفهان پایتخت حکومت گردید. در دوران صفویه، فشار عثمانی بر پایتخت آسیب‌پذیر صفوی، اصفهان را برای چندمین بار مورد توجه حاکمان به عنوان یک شهر ایده‌آل برای پایتختی قرار داد. با تشکیل دولت‌خانه در این شهر، بناهای متعددی مربوط به دولت صفویه ساخته شد. عالی قاپو، چهل ستون، هشت بهشت، فرح آباد و غیره در دوران شاه عباس و دیگر جانشینانش احداث شدند. در دوره‌های بعد به دلیل حمله افغان‌ها و نابسامانی‌های دوره‌های افشاریه و زندیه، بی‌توجهی‌هایی به این بناها صورت گرفت که سبب تغییر کارایی یا تخریب نسبی در آنها شد. با روی کار آمدن خاندان قاجار و انتقال پایتخت به تهران، اگرچه اصفهان از مقام پایتختی افتاد، اما همچنان به عنوان یک شهر مهم به حساب می‌آمد. شاهان قاجار برای اصفهان حاکمانی چون سیف الدوله، منوچهر خان گرجی و... فرستادند. در دوره برخی از این حاکمان چون حاج محمد حسین خان صدر ساخت و سازهایی به مانند مدرسه صدر، عمارت صدر و ... شکل گرفت ولی برخی چون ظل‌السلطان به دلیل شخصیت خاصی که داشتند نسبت این شهر و ابنیه آن بی‌مهری نموده و با واگذاری عمارات به افراد مختلف (خواهرش افتخار الدوله) سبب تخریب در این ابنیه گشتند. در این دوران بی‌توجهی و تخریب بناها توسط وی و عمالش مشاهده شد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت حملات و شورش‌هایی بود که به سوی اصفهان از طرف قبایل یاغی و راهزنان صورت می‌گرفت که سبب ویرانی این آثار می‌گردید. همزمان با مشروطیت‌خواهی مردم ایران، شهر اصفهان نیز در کنار تهران و تبریز

به عنوان سومین شهر مهم ایران شاهد تجمعات و شورش‌های مردم اصفهان و بختیاری‌هایی بود که سرانجام موفق به تشکیل مجلسی در چهلستون (یکی از کاخ‌های دولتی زمان صفویه) شدند. اصفهان در بحران جنگ جهانی اول نیز از تخریب‌ها دور نماند تا این که رضاشاه در طرح ایجاد دولت مدرن خود، به اصفهان و ابنیه آن توجهات نظامی، فرهنگی، اقتصادی خاص نمود. با انجام اصلاحاتی که وی صورت می‌داد، ادارات جدیدی در این شهر ایجاد گردیدند که برخی از آنها در ابنیه دولتی بر جای مانده از گذشته، و برخی دیگر در ساختمان‌های جدید مستقر شدند. در ادامه با عوض شدن شرایط و سیاست‌های جهانی مبنی بر حفاظت آثار تاریخی، محمدرضا پهلوی با سفر به اصفهان به این شهر و ابنیه تاریخی و اداری آن توجه نشان داد. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات است که: نقش و کاربرد ابنیه تاریخی شهر اصفهان در ساختار اداری شهر یا کشور در دوره پهلوی چگونه بوده است؟ چنین به نظر می‌رسد که بناهای دولتیخانه صفویه در دوره‌های بعدی گاه با تغییر کارایی از جمله تبدیل به اصطبل، انبار و زندان شدن مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند و گاهی نیز با تشدید شورش‌ها و حملات داخلی و خارجی مانند افغانه و بختیاری‌ها به خرابی روی می‌آورده است که این روند در دوره پهلوی به شکلی دیگر نمود یافته است. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی سعی بر آن دارد تا نگاه جدیدی به ابنیه اداری اصفهان در عصر پهلوی داشته باشد.

سازمان اداری دولت مدرن در دوران پهلوی اول

با مسافرت احمد شاه به اروپا، دست رجال قاجار و اروپاییان در غارت مملکت بازتر شد و هرج و مرج تمامی ارکان جامعه را در نوردید. با کودتای ۱۲۹۹ ه.ش ضعف حکمت قاجار بر همگان نمایان شد. در جریان این رویداد سید ضیاءالدین به نخست وزیری و رضاخان با لقب سردار سپه به ریاست لشکر قزاق انتخاب گردید. با ترک مجدد کشور به دست احمد شاه و طرح مساله اصلاحات و نوسازی‌هایی که توسط سردار سپه مطرح شده بود، ایران می‌بایست به سوی هدفی جدید سوق داده می‌شد. تغییر سلطنت از قاجاریه به پهلوی فرصتی برای تغییرات

شاه جدید و ایجاد تز دولت مدرن مهیا گردانید. در این ایام هنوز سازمان امنیتی خاصی در کار نبود و رضاشاه همه‌ی خواسته‌هایش را از نظمیه که بعداً شهربانی نام گرفت، خواستار بود (فردوست، ۱۳۷۳: ۳۸۱). او به دنبال ایجاد نظم در مملکت تشکیلات عدلیه را برقرار ساخت و در امر سربازگیری که نیاز به شناختن خانواده‌ها داشت، با ایجاد ثبت احوال موفقیتی به دست آورد. این اداره که در ابتدا به عنوان اداره سجل احوال معروف گردید از ادارات بزرگ به حساب می‌آمد (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۱۴۱). لذا رضاشاه بعد از تاسیس دادگستری و ثبت احوال، اداره ثبت اسناد و املاک را در کشور ایجاد کرد (مؤمنی، ۱۳۸۷: ۶-۱۵۵). او پس از این اصلاحات به فکر اصلاحات اقتصادی و عمرانی افتاد و با ایجاد بانک‌هایی چون سپه، بانک ملی ایران و... به این مهم همت گماشت (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۱۹۰) و حق چاپ اسکناس را از بانک شاهی به بانک ملی واگذار کرد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۹-۱۷۸، بانکداری در ایران در دوران شاهنشاهی پهلوی، بی‌تا: ۴). وزارتخانه‌هایی که در تهران در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۷ بر پا بودند شامل: جنگ، مالیه (دارایی) داخله، پست و تلگراف و تلفن، معارف، عدلیه، امور خارجه، صنایع و معادن، تجارت طرق و عواید عامه، صحیه، فلاحت می‌شد. او با تشکیل ادارات این وزارتخانه‌ها در استان‌ها و تقسیم کشور به ۱۳ استان و ایجاد پایگاه‌های ارتش و ژاندارمری و... به این طرح جامه عمل پوشاند (فرهنگ جغرافیای ایران، ۱۳۳۲: ۱۷).

اصفهان و اصلاحات پهلوی اول

رضاخان در اوایل قدرت در پی استفاده بهتر از شهرهای مهم از جمله اصفهان در راستای ایجاد طرح جدید دولت مدرن بود. آنچنانکه خود به این مساله اشاره داشته هرج و مرج‌هایی به مانند حمله افغانان و قتل و غارت‌هایی که در این شهر اتفاق افتاده است، امری به دور از تمدن بوده است (پهلوی، ۱۳۰۳: ۲۷). او بعد از دیداری که از آثار و ابنیه تاریخی این شهر داشت، به عمارت چهل ستون وارد شد (همان: ۳۰-۲۹). این سفر باعث گردید تا او به اقداماتی در خصوص تقویت این استان و شهر تاریخی آن مصمم شود. طرح تشکیل انجمن آثار ملی در

ایران در ۱۳۰۲ شمسی به مجلس فرستاده شد و در سال های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ به مطالعه آن پرداخته شد. در ۱۳۱۱ با حضور ایران شناسان و باستان شناسان خارجی چون پروفیسور پوپ به اهمیت حفظ و نگهداری این آثار تاکید شد و لذا اساس نامه ی این انجمن به تصویب مجلس رسید (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۶۲). توجه وی، مجلس و مردم به آثار تاریخی و حفظ آنها به دنبال سخنرانی ها و تلاش های زیاد صورت گرفت (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۴۷). از جمله سخن محمد علی فروغی معروف به ذکاء الملک در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۶ بود که وی اوضاع بناهای تاریخی را چنین شرح می دهد: «عمارت چهلستون و عالی قاپو تا چندی قبل زباله دان بود و فقط پس از تشکیل قشون جدید که اصفهان یکی از مراکز قشونی گردید، صاحب منصبان اهتمامی کردند و آنها را از ابتدال و نکبت بیرون آوردند، این عمارت چنانکه عرض کردم همه مزین به نقوش و تصاویر بوده ولی در دوره های سابق مثل اینکه آنها را ننگ و عار دانسته باشند روی آنها را گچ کشیده بودند که اخیراً متصدیان حکومت و قشون وقتی که در صدد احیای آنها بر آمده اند با زحمت زیاد آن گچ ها را از روی تصاویر بر داشته اند ولی البته از آب و رنگ و جلوه آنها بسیار کاسته شده و بعضی از آنها هم به کلی ضایع بوده که اصلاح و استخلاص آنها ممکن نشده است (هنرفر، ۲۵۳۶: ۷-۱۷۶). وی پس از اشاره به این تخریب ها از بی حسی و شقاوت افرادی یاد کرده که چنین بی توجهی هایی به آثار تاریخی کرده اند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۱۷۶). کاملاً مشخص است که فروغی قصد این را داشته تا وجدان جمعی مردم و مسوولان را بیدار نموده و با صفت هایی که به مجریان قبلی داده قصد این را داشته که توجه مردم و دولتیان فعلی را به حفظ و نگهداری این بناها جلب کند. سخنرانی ها بی فایده نبود زیرا تعمیر آثار تاریخی اصفهان از ۱۳۱۱ آغاز گردید. میدان نقش جهان و مسجد شاه اولین بناهایی بودند که مورد مرمت و نوسازی قرار گرفتند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۵۰). سرپرستی آثار تاریخی اصفهان از سوی دولت به سید محمد تقی مصطفوی، احمد مهران، نصرت الله مشکوتی، مجد زاده صهبا، مهندس حسین روابند، مهندس علی اصغر بنائی، احمد علی بشارت و دکتر لطف الله هنرفر سپرده شد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۵۱) و از سوی دیگر نیز سعی شد تا توجه اروپائیان علاقه مند به این آثار جلب شود. به

دستور رضاشاه مساجد تاریخی اصفهان به روی جهانگردان و بازدیدکنندگان داخلی و خارجی، با هدف جذب جهانگردان و توریستان بیشتر به ایران و به خصوص شهر های تاریخی چون اصفهان، باز شد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۷۵). دولت جدید به امور عمومی اصفهان رسیدگی کرد. تاسیس کارخانه و فرودگاه و تقسیم آب زاینده رود از جمله این اقدامات بود (اسناد و فرامین مربوط به آب و برق، بی تا: ۶). دولت جدید علاوه بر ساخت و سازهای جدید به مرمت و تعمیر ابنیه بخصوص ابنیه ای که بر سر راهها قرار گرفته بودند، اقدام نمود (سند شماره ۳۱۵۶-، ۱۳۱۳: شماره ۱). بنابراین اداراتی به مانند سایر استان ها در این شهر ایجاد گردید که مکان اولیه ی این ادارات، ابنیه دولتی صوفیه تشخیص داده شد. عالی قاپو که در اوایل دوره پهلوی نیز به عنوان محل نذورات و پختن آش و... مورد استفاده قرار می گرفت، صدمات زیادی دیده بود (هنرفر، ۱۳۵۰: ۴۲۰). با استقرار ارتش و سلسله پهلوی، عالی قاپو و دیگر ابنیه مورد تعمیرات اساسی و تزیینی و اصلاح نقاشی های داخل بنا قرار گرفتند (رفیعی مهرآبادی، ۳۸۰: ۱۳۵۲). هنرفر در این خصوص اشاره می کند با استقرار ارتش و توجه سر لشگر محمدحسین فیروز و دیگر همکارانش، ابنیه تاریخی اصفهان از صورت ناپسند خارج شدند و آبادی در آنها راه یافت (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۴۲). عالی قاپو که روزگاران متفاوتی را بر خود دیده بود، این بار به اداره ی بلدیة واگذار گردید. با انتقال بلدیة به عمارت تیموری، کتابخانه ی عمومی در این عمارت استقرار یافت (اخگر، ۱۳۰۹، شماره ۳۸۲) و با انتقال کتابخانه ی عمومی به محلی دیگر مجدداً در سال ۱۳۱۰ عالی قاپو به بلدیة واگذار گردید (اخگر، ۱۳۱۰، شماره ۵۸۸). بعد از آن اندک زمانی این بنا بدون استفاده قرار گرفت تا این که در ۱۳۱۶ اداره معارف آن را از شهرداری تحویل گرفته و تحت نظارت آقای صهبا، نماینده ی باستان شناسی، مورد مرمت قرار داد (اخگر، ۱۲۸۶، شماره ۱۳۱۶). عمارت تیموری در ۱۳۰۹ به عنوان محلی برای رأی گیری از مردم به خاطر انجمن بلدیة در نظر گرفته شد (اخگر، ۱۳۰۹، شماره ۳۶۶). عمارت های صوفیه به دلیل شناخته بودن در بین مردم و عظمت و شکوهی که داشتند، مورد توجه قرار می گرفتند. بنابر همین امر انجمن بلدیة در دوران قاجار و رای گیری در زمان پهلوی در این عمارت ها صورت می گرفت.

علت تسمیه عمارت تیموری مشخص نیست و آن را به صفویه و تیموریان نسبت می‌دهند که این عمارت در اواخر دوره قاجار به شدت آسیب دید و نیروی نظامی پهلوی آن را مرمت کرد و به عنوان کتابخانه‌ی عمومی قرار داد (آشتیانی، ۱۳۸۷: ۴۵). بعد از مدت زمانی که اداره بلدیه به عمارت تیموری و کتابخانه از این عمارت به آنجا انتقال یافته بود؛ اداره بلدیه نیز از این عمارت رفت. چند ماهی اداره مالیه در این عمارت استقرار یافت و سرانجام پس از رفتن عمارت مالیه به عمارت حشمت همایون در پشت مطبخ خانه، این عمارت به اداره قشون تحویل داده شد (سند شماره ۱۰۱۹۲۰۹، ۱۳۱۰: شماره ۲). با این رفت و آمدها، تغییراتی در ابنیه صفویه داده شد. تالار اشرف که در روزگاری صفویان و سپس افغانان بر آن جلوس می‌کردند در ۱۹۱۴ به دلیل جنگ جهانی اول، تبدیل به انبار علوفه شده و صدمات زیادی را متحمل شده بود (نیکزاد، ۱۳۳۳: ۵۳). این بنا در ابتدا مورد توجه اداره معارف قرار گرفته و تعمیراتی در آن ایجاد شد. در ۱۳۰۹ که آموزش و پرورش به آنجا انتقال یافت در اثر مرمت‌ها نقاشی‌هایی از زیر گچ بیرون کشیده شد که یادگار دوران گذشته بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۳۸۳). نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت مرمت‌های انجام شده در بناهای دولتیخانه در این دوران است. روزگاری در عصر قاجار در اثر بی‌مهری‌ها و بی‌توجهی‌ها توسط برخی افراد این تزیینات و آثار یا خراب می‌شدند یا در زیر گچ پنهان می‌گردیدند ولی با بیدار شدن این حس که این آثار تاریخی از میراث فرهنگی کشور هستند تمام تلاش اهل فن بر این صرف می‌شد که این آثار با آسیب کمتری از زیر گچ بیرون آیند. کاخ هشت بهشت روبروی تالار اشرف بود. این عمارت روزگاری نه چندان دور در دست افتخار الدوله (شاهزاده قاجار) قرار داشت. بعد از وی در دست فرزندان قرار گرفت. ابوالفتح خان قهرمان تا مدت‌ها درب آن را می‌بست و جز هفته‌ای یک روز اجازه دیدن عمارت را به بازدید کنندگان نمی‌داد (نیکزاد، ۱۳۳۳: ۳۸) که در نهایت این بنا توسط وی به دولت جدید داده شد. بعد از آن اداره‌های ژاندارمری، نظمیه، مالیه این بنا را مکانی مناسب برای تصرف خود یافتند (راه‌نجات، ۱۲۹۹: ۳۸). البته تشکیل اداره در این بناها خود باعث تخریب‌هایی می‌گردید این در حالی بود که آثار تاریخی تنها زمانی محافظت می‌شد که این ابنیه به

صورت باغ موزه در آمده و به خوبی حفظ و نگهداری شوند. تالار طویل محل سلام پادشاهان صفوی در ۱۳۱۷ ه. ق به مانند سایر عمارت‌های ذکر شده توسط ظل السلطان خراب شده بود که در دوره پهلوی بر سر ویرانه‌های آن دبیرستان سعدی بنا گردید (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۸۸). عمارت چهل‌ستون به عنوان زیبا ترین کاخ باقی مانده از صفویه قلم داد می شد، به دلیل استفاده های نامربوط در برخی از دوره ها و خالی ماندن در اواخر دوره قاجار به شکل انبار و زباله دان به نظر می آمد. تا این که دولت جدید با بها دادن به این عمارت ها رنگ و بویی نو به آنها بخشید (هنر فر، ۲۵۳۶: ۷-۱۷۶). رضاشاه درباره این عمارت چنین می گوید: «در سفر اول وقتی که به تماشای چهل ستون آمدم و این وضع ناگوار را مشاهده کردم فوراً به ارکان حرب لشکر جنوب امر دادم به تعمیر آن عمارت مشغول شوند، در این سفر دیدم که رئیس ارکان حرب این لشکر، جهد مخصوص در این کار به خرج داده و تمام نقوش را از زیر گچ خارج کرده و آنها را به وضع خوشی تعمیر نموده است و عجلاله مرکز ارکان حرب لشکر هم در همین عمارت قرار دارد و کم‌کم چهل ستون پیش مردم اصفهان به ارکان حرب معروف می شود» (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۴۷). استقرار نظامیان و کاربرد نظامی جدید بعد از تعمیر این عمارت (چهل ستون) مانع از این نبود که شوکت و جلال گذشته آن را محو نماید و نام چهل ستون را به ارکان حرب جدید تبدیل کند. دولت جدید به توصیه نخبگان و اهل فن توجه به میراث فرهنگی گذشته را دنبال می کرد. در سال های پس از استقرار حکومت پهلوی، عمارت چهل ستون بین ادارات مختلف دست به دست می گشت. اداره قشون که در آن تشکیل گردیده بود (سند شماره ۱۱۷۶۴، ۱۳۱۰: شماره ۳ پیوست‌ها) پس از مدتی به عمارت تیموری نقل مکان کرد. در سال ۱۳۱۰ واگذاری این عمارت به بلدیة برای حفظ و نگهداری بیشتر مورد بررسی قرار گرفت (سند شماره ۳۳۰۱، ۱۳۱۰: شماره ۴) در این زمان اداره معارف نیز خواستار به دست آوردن این عمارت بود که به دلیل واگذاری به بلدیة رد شد (سند شماره ۱۰۶۳۳، ۱۳۱۰: شماره ۵). اداره بلدیة نیز این عمارت را به عنوان موزه ای برای حفاظت از اشیای عتیقه، کاشی و... قرار داد. این امر به تصویب مجلس رسید و مسیو گدارفرانسوی برای تشکیل این موزه به اصفهان فرستاده شد

(اخگر، ۱۳۱۰: شماره ۷۲۴). عمارت چهل ستون در روندی که پیش رو گرفته بود به موزه تبدیل شد. این بهترین راهی بود که می شد آسیب های وارده به آن را به حداقل رساند. باغ کاج مقر ظل السلطان نیز به عنوان اداره مالیه مورد استفاده قرار گرفت (اخگر، ۱۳۱۲: شماره ۸۳۴). تقریباً اداره کل ابنیه اصفهان به دو قسمت تقسیم شد. قسمتی تحت سرپرستی بلدیه و قسمت دیگر تحت حفاظت اداره طرق به سر برد (اخگر، ۱۳۱۲: شماره ۸۹۶). در این تقسیم بندی اداره های دیگر چون ثبت اسناد در عمارت سابق تریاک مالی در خیابان امین و اداره پیشه و هنر در ابتدای چهار باغ مستقر گردیدند (اخگر، ۱۳۱۷: شماره ۱۳۸۳). توحید خانه در روبروی چهل ستون به عنوان زندان استفاده می گردید. عمارت های دیگری چون هفت دست، آیینه خانه و نمکدان که در زیر عنوان سعادت آباد قرار داشتند، در دوران قاجاریه کاملاً منهدم گردیده و در این زمان بر سر جایشان کارخانه های ریسندهی و بافندگی چون وطن و زاینده رود شکل گرفته بودند (نیکزاد، ۱۳۳۳: ۱۴۸). عمارت های جدیدی چون جلاء السلطنه به عنوان شهر داری اصفهان تاسیس گردیدند (اخگر، ۱۳۱۵: شماره ۱۱۳۲) اداره های دیگر چون عدلیه در عمارت مثقالی و عمارت راستی به اداره مالیه بخشیده شد (اخگر، ۱۳۱۳: شماره ۹۱۹). مکان این ادارات گاه با هم تعویض می شد. مجموع ادارات اشاره شده در محدوده ی دولتخانه ی صفویه قرار داشتند و بدان خاطر نام دروازه دولت به این قسمت اطلاق شد. دولت پهلوی تغییراتی در سیستم بانکداری ایران داد که شرح آن گذشت. در اصفهان نیز بانکهایی چون سپه و ملی شکل گرفتند. بانک پهلوی در ابتدا در سال ۱۳۰۹ در عمارت مسعودیه جنب بازار شکل گرفت. بانک ملی نیز در ابتدای خیابان تیموری سابق؛ قسمتی از انبار دخانیات، باغچه شهرداری و... را تصرف و جهت احداث ساختمان جدید به خود اختصاص داد (اخگر، ۱۳۱۷: شماره ۱۳۶۳) اصفهان در این دوره نیز مورد توجه سفرای کشورهای اروپایی قرار گرفت (فردوست، ۱۳۷۳: ۴۸۸). این توجه به خاطر مرکزیتی بود که سالها پیش از سوی شاه عباس اول نیز مورد توجه قرار گرفته بود. بنابراین امسفرای خارجی، کنسولگری هایی برای خود در این شهر ایجاد کردند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد. دولت رضاشاه در امر اصلاح و تعمیر ابنیه تاریخی اصفهان تا

حدودی موفق گردید. مسافرت خانواده لبنانی به اصفهان در کتاب جمالزاده و انگلیسی صحبت کردن راهنماها چنین می‌رساند (جمالزاده، ۱۳۵۳: ۳۸). میزان رفت و آمد خارجی ها برای دیدن آثار تاریخی اصفهان به حدی بوده است که در برخورد با هر مسافری اول از کلمات مسیو و... استفاده می‌شده است. این اصلاحات مثبت در مرمت ابنیه اصفهان با استغای رضاشاه از سلطنت متوقف گردید. رضاشاه پس از امضای استعفا نامه خود در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ و خداحافظی از محمد علی فروغی نخست وزیر و پسرش، محمدرضا ولیعهد، تهران را به قصد اصفهان ترک کرد. وی مدتی در اصفهان و کرمان به سر برد و به دلیل سخن چینی اطرافیان سلطنت در تهران و دخالت کشورهای خارجی مبنی بر این که شاه سابق به تفریح در اصفهان پرداخته و استعفا نداده، رضاشاه را مجبور به رفتن از کشور کردند. وی بعد از هند راهی جزیره موریس گردید (امینی، ۱۳۸۸: ۳۱۲).

باغ موزه شدن کاخ‌ها در دوران پهلوی دوم

با استغای رضاشاه، فرزندش محمدرضا پهلوی در ه.ق. ۱۳۲۰ به تخت سلطنت ایران نشست. دوران حیات وی پر از حادثه‌های مهم بود. از ملی شدن صنعت نفت تا جنگ جهانی دوم در سال‌های سلطنتش اتفاق افتاد. در این عصر نوسازی ادارات به مانند دوره رضاشاه ادامه یافت. ادارات و سازمان‌های این زمان شامل آموزش و پرورش، استانداری، اقتصاد، اوقاف، بهداری، بهداشت، بیمه‌های اجتماعی، پست و تلگراف، آمار و ثبت احوال، ثبت اسناد، دادگستری، شهرداری، شهربانی، ژاندارمری می‌شدند (عربانی، ۱۳۴۵: ۴۱۵). با تقسیم شدن برخی از وزارتخانه ها در تهران به چند وزارتخانه ادارات نیز به صورت جدا به کار خود ادامه دادند. برای مثال هنگامی که وزارت فرهنگ سابق ایران به دو وزارتخانه آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر تقسیم گردید، اداراتی به همین نام به شکل مستقل از هم به امور رسیدگی می کردند (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۵۴). وزارتخانه‌هایی که در این دوره به وجود آمدند شامل وزارت کار و امور اجتماعی، فرهنگ و هنر، مسکن و شهرسازی، اطلاعات و جهانگردی، علوم و آموزش عالی،

رفاه اجتماعی و... بودند (آبراهامیان، ۱۳۷:۵۳۹). با دخالت های امریکا در اوضاع کشور اداره ای تحت عنوان سازمان امنیت و ساواک نیز به اداره های موجود در ایران افزوده گردید (فردوست، ۱۳۷۳: ۳۸۸). محمدرضاشاه به مانند پدرش به تعمیر و ساخت و ساز ابنیه دولتی در شهرهای ایران توجه نشان داد و اصفهان به صورت خاص مد نظر وی قرار گرفت و به آبادانی آن همت گماشت و برای احیای این ابنیه تاریخی که در فاصله دوره صفویه تا دوره پهلوی دوم تغییر کاربری و ماهیت داده بودند، متخصصان ایتالیایی را به اصفهان فراخواند. این متخصصان با مرمت کاخ عالی قاپو، تصاویر و تزینات این بنا را از زیر گچ بیرون آوردند (هیلنبراند، ۱۳۸۰: ۴۵۵). آنتونی اسمیت که اصفهان را در این ایام دیده این گونه آن را وصف می کند: «تمام طول روز بعد من و اریک و لوئیس صرف تفحص در دیدنیهای اصفهان شد. فیلیپ نیز گردش را با ما شروع کرد اما پس از مدتی خسته شد و به اقامتگاه برگشت. از بالای کاخ شاه عباس که فی النفسه عمارتی بدون روح بود، بام تمام ساختمانهای شهر دیده می شد. دراطراف کاخ مساجد متعددی پراکنده بودند، این مساجد از نظر سبک معماری با یکدیگر تفاوت زیادی نداشتند. داخل کاخ چیز قابل ذکری وجود نداشت. باقیمانده نقاشی های منقش بر دیوارها هنوز در گوشه و کنار قصر قابل رؤیت بود؛ اما به نظر می رسید که بازماندگان شاه عباس در کندن نقاشی و انتقال آنها به مکان دیگر؛ خلاصه صدمه زدن به قصر کوچکترین کوتاهی و سستی بخرج نداده- اند. گفته می شد که گروهی از هنرمندان ایتالیایی برای این منظور دعوت شده است (اسمیت، ۱۳۶۹: ۳۵۶). گرچه توجه دربار به این امر قابل ذکر است ولی به نظر می رسد توجه اندک مردم به این بناها در آن روزها، استادکاران ایتالیایی را بیشتر از آن برای تعمیر و مرمت آن آثار ترغیب نکرده باشد. چندان دور از ذهن نیست که در این سالها آثار گران قدر و اشیاء گران قیمتی از ایران خارج گردیدند. در این هنگام که اهمیت بسیاری از آثار به دلیل عدم توجه به میراث ملی معلوم نبود، چندان دور از ذهن نخواهد بود که بسیاری از اروپایی هایی که به بهانه مرمت آثار و جهانگردی به ایران سفر می کردند، سرمایه ی بزرگی را با خود از ایران خارج کرده باشند.

پهلوی دوم در ۱۳۲۱ فرمان به تعمیر ابنیه اصفهان با هماهنگی اداراتی چون فرمانداری، شهرداری، دارائی، شهربانی و امنیه، داد (سند شماره ۳۴۹/۲۴۷-۳۵۰-۲۵۴، ۱۳۲۱: شماره ۶).

تالار اشرف که در دوره رضاشاه مورد مرمت قرار گرفته بود و نقاشی‌های آن با همت افراد از زیر گچ بیرون کشیده شده بود (نیکزاد، ۱۳۳۳: ۵۳) برای مدتی اداره فرهنگ گردید. این بنا که در دوران قاجاریه مورد بی‌مهری قرار گرفته بود و وضعیت بسیار خطرناکی پیدا کرد. ضریب‌های جانبی آن شکاف برداشتند و گنبد مرکزی تالار در شرف ریزش قرار گرفت. اداره باستانشناسی وقت با مرمت بنا، از ویرانی آن جلوگیری کرد. اطراف عمارت مستحکم شد و تاق‌ها مرمت شدند و محل ساختمان برای استقرار اداره معارف عمومی در نظر گرفته شد (زنده‌دل، ۱۳۷۷: ۷۰).

تالار اشرف با همت باستانشناسان و واگذاری به سالن اداره معارف گرچه از خطر گذشته نجات یافت ولی با استقرار مجدد اداره در آن و رفت و آمد ها و تشکیل جلسات متحمل خطر دیگری بود. دکتر عبدالعلی جهانشاهی وزیر سابق فرهنگ با سفر به اصفهان و به دلیل علاقه به آثار تاریخی، دستور به تخلیه تالار اشرف داده و از آن پس این بنا تبدیل به موزه شد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۵۲). این مهم که در سال ۱۳۴۳ رخ داد باعث حفظ شدن این عمارت گردید. توجه افرادی چون دکتر جهانشاهی و بزرگانی به مانند دکتر هنرفر، نصرت الله مشکوتی و... در دوره پهلوی و افرادی چون حاج محمد حسین خان صدر در دوره قاجاریه سبب حفظ این ابنیه تاریخی شده بود. چهل ستون دیگر کاخ باقیمانده از اعصار پیش، مورد مرمت‌هایی قرار گرفت. مهندس رواند در اردیبهشت ۱۳۳۶ کتیبه‌ها و نقاشی‌های آن را از زیر گچ بیرون کشید (همایی، ۱۳۸۴: ۴۵۶). کاخ چهل ستون در همین ایام مدتی به عنوان استانداری و اداره آمار در نظر گرفته شد (نیکزاد، ۱۳۳۳: ۴۹). ولی با دل‌سوزی افراد هنر دوست و تاریخ دان این عمارت نیز به صورت باغ موزه سپاهان جلوه کرد (زاهد، ۱۳۴۸: ۵۴۲). کاخ هشت بهشت همان طور که گفته شد در دست سرهنگ ابوالفتح قهرمان قرار داشت. این عمارت در شهریور ۱۳۴۳ توسط وی به دولت تحویل داده شد (هنرفر، ۲۵۳۶: ۸۵۳). این عمارت تحت نظارت اداره باستان شناسی مورد مرمت قرار گرفت و مدتی به عنوان اداره فرهنگ و هنر به حساب آمد (جوادی، ۱۳۶۳: ۵۱۳) تا

سر انجام قسمت تالار و کاخ این بنا نیز به مانند چهل ستون به شکل موزه و فقط برای بازدید در نظر گرفته شد. تالار تیموری که روزهای متفاوتی را تجربه کرده بود. در ابتدای سلطنت رضاشاه زمانی که سر لشگر فیروز در اصفهان بود، تعمیراتی در این عمارت و چهلستون بعمل آورد. سپس در سال ۱۳۲۷ سر لشگر معتضدی فرمانده لشکر اصفهان با همکاری مالی عده ای از مدیران کارخانجات و تجار و هنرمندان و مهندسين اصفهان، تعمیرات شایان و قابل توجهی در این عمارت نموده و آنرا محل باشگاه افسران قرار داد و در موقع سفر محمدرضاپهلوی به اصفهان جهت زدن کلنک تونل کوهرنک، این باشگاه نیز بدست وی در مهر ماه ۱۳۲۷ شمسی رسماً افتتاح گردید (نیکزاد، ۱۳۳۳: ۵۰). در حین همین سفر محمدرضاپهلوی در میدان نقش جهان به سخنرانی پرداخت و توجه به آثار تاریخی و مرمت آنها را از مردم خواستار شد (نیکزاد، ۱۳۳۳: ۶۶). عمارت توحیدخانه که روزگاری محل درویشان صفوی بود و در ادوار بعد به عنوان زندان مورد استفاده قرار می گرفت (انصاری، ۱۳۲۱: ۳۳۹). مورد مرمت قرار گرفت. در پشت همین عمارت جایی که به میدان نقش جهان متصل می شد محلی دیگر قرار داشت که به عنوان زندان مورد استفاده قرار می گرفت. امروزه این مکان به صورت پارک در آمده است. رکیب‌خانه که در کنار چهل ستون واقع گردیده بود، در دوران سلطنت پهلوی به عنوان اداره ی آمار و ثبت احوال مورد استفاده قرار گرفت (عمرانی، ۱۳۸۴: ۲۹۲). باغ کاج که در عهد قاجاریه به عنوان عمارتی مهم شناخته می شد در این دوره به اداره امنیه تحویل داده شد (انصاری، ۱۳۲۱: ۳۴۱) مجموعه سعادت آباد تبدیل به مجموعه کارخانه وطن شد و همچنین باغ زرشک تبدیل به کارخانه ریسباف گردید.

آموزش و پرورش امر دیگری بود که مورد توجه قرار گرفت. لذا دبیرستان بهشت آئین بر روی ویرانه‌های زرشک جنان، انگورستان و بهشت آئین قرار گرفت (انصاری، ۱۳۲۱: ۳۵۰). دانشگاه اصفهان که سال های قبل به دبیرستان سعدی منتقل شده بود به دستور محمدرضا پهلوی از آنجا به هزار جریب منتقل شد. محمد رضا به مانند رضاه شاه که دانشگاه تهران را احداث کرد در ۱۳۲۹ دستور ساخت دانشگاه اصفهان را در محل باغ هزار جریب صادر کرد (جوادی، ۱۳۶۸: ۲۱۷).

هزار جریب که در حمله افغانان و حکومت قاجاریه به کلی منهدم گردیده بود و جز چند کبوتر خانه بنایی در آن وجود نداشت، به عنوان محل دانشگاه اصفهان در نظر گرفته شد. با ساخت کلاس ها و سالن ها و ساختمان های اداری در پای کوه صفه، دانشگاه اصفهان با ۱۰۰ دانشجو شروع به کار کرد (عمرانی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). در سال های ۱۳۳۷-۱۳۳۵ دانشکده های داروسازی و ادبیات به دانشگاه اصفهان اضافه گردید (جوادی، ۱۳۶۸: ۲۱۷) و به دنبال آن محلاتی چون مردآویج به عنوان کوی اساتید و کارمندان احداث شد. توجه به ارتش و نظامیان نیز به مانند دوره پیش باعث ایجاد محلاتی چون هوائیروز و میدان ارتش در دروازه شیراز امروزی گردید و بخش جدیدی از شهر در این قسمت شکل گرفت. سیستم بانک داری نیز از نظر وی مهم بود. در این زمان افزایش بانک ها در ایران مشاهده می شود و بانک هایی چون ملی، سپه، کارگران، صادرات و... شکل گرفتند (عربانی، ۱۳۴۵: ۴۱۶). این بانک ها شعباتی در سایر استان ها داشتند. از جمله در اصفهان بانک ملی واقع در خیابان سپه، بانک سپه، بانک رهنی، بانک کشاورزی و پیشه و هنر و صرافی هایی به مانند صرافی افشار واقع در دروازه دولت، صرافی عبد الرسول و حاجی سید رضا در بازار به مردم خدمات می دادند (فرهنگ جغرافیای ایران، ۲۳: بی تا). تعدادی از باغ های زمان صفویه تا اواخر دوره قاجار نیز باقی مانده بودند، امروزه آن باغات، ملک مردم شده و گرداگرد چهار باغ را مغازه ها و مهمانخانه ها و سینما ها و... مانند زنجیر بهم پیوسته فرا گرفته است و برای آنکه نام باغات عهد صفویه از تاریخ روزگار بیرون نرود هرچند حالیه بکلی تغییر صورت یافته و در هر یک خانه ها و کوچ ها افتاده است (انصاری، ۱۳۲۱: ۳۵۳) برای حفظ نام این باغات نام آنها را بر هر خیابان و کوچه گذارده اند. امروزه نیز نامی از باغ های نو، گلدسته، کاج، زرشک بر خیابان های این شهر دیده می شود.

اصفهان همواره مورد نظر کشورهای خارجی بود. از طرفی انگلیسی ها چون تهران را شهری مورد خطر از طرف روسها می دانستند، تلاش می کردند پایتخت را از آنجا به اصفهان منتقل کنند. شرایط خاص، اصفهان را از خطرات احتمالی حفظ می کرد (فردوست، ۱۳۷۳: ۴۸۸) که به دلیل شرایط نا آرام این اتفاق رخ نداد. کشورهای خارجی که از زمانهای قبل در

اصفهان کمپانی‌هایی داشته‌اند در این زمان نیز کنسولگری‌هایی را به خود اختصاص داده بودند. کنسولگری روسیه در کوچه مسجد سرخی فعلی و کنسولگری انگلیس در مکانی که امروزه دبیرستان ادب قرار گرفته، دو کنسولگری بزرگ خارجی در اصفهان بودند. آلمانها، فرانسویها و... به صورت دوره‌ای در خانه‌هایی ساکن بودند. نمونه‌ی این خانه‌ها در دوره صفویه، خانه و تجارت خانه‌ای موسوم به زیگلر در ابتدای چهار باغ بالا بود آنها اداره‌های دیگری نیز برای خود در اماکن دیگر شهر ایجاد کرده بودند که امروزه اثری از آنها نیست اما محتمل است که مهم‌ترین ادارات در همان محدوده‌ی دولتخانه‌ی صفویه قرار داشته باشند و گاه مکان اداره‌ای به اداره‌ی دیگر انتقال یافته باشد. ولی آنچه مورد نظر است اصفهان و ابنیه‌ی آن همواره از صفویه و پیش از آن تا به حال به دلایل طبیعی، جنگ، بی‌توجهی و بی‌مهری مردم صدمات زیادی خورده‌اند و آنچه باقی مانده نشانه‌ای از گذشتگان و هویت ملی ایرانی است که می‌بایست در دوره جدید از آن حفاظت به عمل آید. در دوره محمدرضا پهلوی مکان بسیاری از این اداره‌ها تغییر کرد و بناهای دولتخانه به شکل باغ موزه در آمدند تا از صدماتی که به عنوان اداره به آنها وارد می‌شد، جلوگیری شود. این نگاه مجله هنر و مردم در قبال آثار تاریخی، گویای فصل جدیدی از تغییر نگاه به آثار تاریخی بود: «شک نیست که سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوطه مانند اداره کل باستان‌شناسی و انجمن آثار ملی کوشش‌های گرانبهایی برای نگهداری آثار هنری بکار می‌بردند ولی بنظر می‌رسد که تا هنگامیکه همگی مردم یک کشور از خرد و بزرگ به ارزش و زیبایی آثار کهن خویش پی نبرند هرگز نمیتوان در این راه نتیجه‌ی کامل گرفت. در کشور ما کسانی پیدا می‌شوند که هنگام بازدید از بناهایی مانند چهل ستون و عالی قاپو با میخ و مداد و دیگر ابزار بر روی نقاشی‌های نفیس و گرانی‌های این ساختمان‌ها یادگار می‌نویسند و یا صورت‌های نقاشی را خراش می‌دهند هرگز نمی‌توان به نگهداری آثار باستانی خوش بین بود» (تجویدی، ۱۳۴۲: ۲-۳) چنین سخنرانیها و پیدار کردن وجدان پنهان برخی از اشخاص در دوران پهلوی دوم به این تغییر نگاه کمک کرد. این مجله به بررسی آثار تاریخی دولتخانه و توضیح روزگاری که

بر آنها گذشته بود، برای جذب مردم به حفظ این بناها تلاش می کرد. تصاویری از این مجله در پیوست مطالب آورده شده است.

نتیجه

با جلوس رضاخان بر تخت سلطنت و در راستای تحقق طرح ایجاد دولت مدرن، ادارات و وزارتخانه های جدیدی به مانند ثبت احوال، ثبت اسناد و املاک، آموزش و پرورش و... تشکیل شدند. این اداره ها که در استان های ۱۳ گانه و بخصوص در استان دهم (اصفهان) نیز شکل گرفتند، توجه به بناهای گذشته را به دنبال داشتند. بناهای دولتی صنفی پس از تعمیر به اداره های مختلف از جمله اداره قشونی در چهل ستون، کتابخانه عمومی در عالی قاپو، امنیه در باغ کاج و... واگذار گردیدند. با شکل گیری انجمن آثار ملی، بسیاری از ابنیه تاریخی تعمیر شدند. با برکناری رضا شاه، فرزندش محمد رضا در ۱۳۲۰ جانشین وی شد و به تعمیر ابنیه تاریخی در اصفهان توجه نشان داد. بناها همچنان به مانند گذشته به ادارات واگذار می گردید تا سرانجام با توجه به تغییر اوضاع جهانی و فعال شدن نهاد های بین المللی حفاظت از آثار تاریخی و علم به این موضوع که استفاده از ابنیه تاریخی در جهت استفاده اداری سبب تخریب در این بناها می گردد، دستور تغییر کاربری آنها را صادر کرد و این ابنیه به موزه و باغ موزه تبدیل شدند. آن چه در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت توجه دولت مدرن بر عکس تفکر سنتی موجود در ایران (واگذاری به اشخاص یا کاربری ساده مانند انبار، طویله یا آشپزخانه نذورات) به اداره بناهای باقی مانده از گذشته در اصفهان بود که در راستای رویکردی جدید به این مساله برای اولین بار در تاریخ ایران صورت می گرفت. البته در دوره پهلوی اول اکثر ابنیه به بخش نظامی داده شد و در دوره پهلوی دوم به تدریج این روند دگرگونه شد. انتظار این رویکرد، حفظ ابنیه ای بود که میراث ملی کشور به حساب می آمدند. آگاهی مردم نسبت آثار ملی، پرهیز از نوشتن یادگاری و خراش دادن روی در و دیوارها که خوی هر رهگذر سنتی بود در اثر تبلیغات گسترده در عرصه مجلات و روزنامه های این دوران به چشم می خورد. حاصل روند

باسازی آثار تاریخی اصفهان این بود که از میان بناهای باقی مانده از عصر صفویه که در یک دوره بلند مدت تاریخی دچار تخریب و بی‌مهری شده بودند، چند بنا به دوره جدید به میراث رسید. عصر باسازی این آثار که با مشارکت معماران و مهندسان خارجی صورت می‌گرفت، در اثر عدم شناخت کلی این آثار علاوه بر هزینه‌های گزاف همراه با تخریب‌ها و سرقت‌های متعدد نیز بود.

منابع

- ۱- اسمیت، آنتونی (۱۳۶۹) ماهی سفید کور در ایران: سفرنامه آنتونی اسمیت ۱۳۳۰. ترجمه محمود نبی زاده. تهران: گستره.
- ۲- الاصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا (۱۳۶۸) نصف جهان فی تعریف اصفهان. منوچهر ستوده. تهران: امیر کبیر.
- ۳- امینی، علی رضا. شیرازی (۱۳۸۸) حبیب الله ابو الحسن، تحولات سیاسی - اجتماعی ایران. تهران: قومس.
- ۴- انصاری، میرزا حسن خان جابری (۱۳۷۸) تاریخ اصفهان، جمشید مظاهری. اصفهان: مشعل.
- ۵- انصاری، میرزا حسن خان جابری (۱۳۲۱) تاریخ اصفهان، ری و همه جهان. اصفهان: کتابخانه دانشگاه.
- ۶- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب. احمدگل محمدی. تهران: نی.
- ۷- آشتیانی، عباس اقبال (۱۳۸۷) دفتر سوم سفرنامه رضاشاه. ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- ۸- پهلوی، رضاشاه (۲۴۳۸) سفرنامه خوزستان. تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.
- ۹- جمال زاده، محمدعلی (۱۳۵۳) گفتگوی خانوادگی درباره اصفهان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- ۱۰- جناب، میر سید علی (۱۳۷۱) *الاصفهان*. عباس نصر. اصفهان: نشر امور فرهنگی شهرداری اصفهان.
- ۱۱- جوادی، آسیه (۱۳۶۳) *معماری ایران*. تهران: چاپ انوشه.
- ۱۲- جوادی، خانی (۱۳۶۸) *خرمشاهی سعید، کامران، بهاء الدین، دائره المعارف تشیع*. تهران: سازمان دائره المعارف تشیع.
- ۱۳- خلیلی خو، محمدرضا (۱۳۷۳) *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۴- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲) *آثار ملی اصفهان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- ۱۵- زاهد زهتابی، جلیل. محمد رضا (۱۳۴۸) *ایران زمین*. شاه آباد: انتشارات پدیده.
- ۱۶- زنده دل، حسن (۱۳۷۷) *استان اصفهان*. تهران: نشر ایران گردان.
- ۱۷- شفقی، سیروس (۱۳۸۱) *جغرافیای اصفهان*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- ۱۸- عربانی، ابراهیم (۱۳۴۵) *راهنمای شهرستانهای ایران*. تهران: بی نا.
- ۱۹- عمرانی، مرتضی (۱۳۸۴) *در جستجوی هویت شهری اصفهان*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۲۰- فردوست، حسین (۱۳۷۳) *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*. تهران: اطلاعات.
- ۲۱- فرهنگ جغرافیای ایران (۱۳۳۲) تهران: انتشارات سازمان جغرافیای ارتش.
- ۲۲- کیانی، مصطفی (۱۳۸۳) *معماری دوره پهلوی اول*. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲۳- مخبر، عباس (۱۳۷۲) *تاریخ ایران کمبریج (سلطنت پهلوی)*. تهران: طرح نو.
- ۲۴- مومنی، قدرت الله (۱۳۸۷) *پیشینه دادگستری و ثبت اسناد و املاک*. خرم آباد: شاپورخواست.
- ۲۵- همایی، جلال الدین (۱۳۸۴) *تاریخ اصفهان*. ماهدخت بانو همایی. تهران: هما.
- ۲۶- هنرفر، لطف الله (۲۵۳۶) *اصفهان*. اصفهان: شرکت سهامی کتابهای جیبی.

- ۲۷- هنرفر، لطف‌الله (۱۳۵۰) گنجینه آثار تاریخی اصفهان. تهران: چاپخانه زیبا.
- ۲۸- هیلنبراند، رابرت (۱۳۸۰) معماری ایران در دوره صفویان، در تاریخ کمبریج (تاریخ ایران دوره صفویان). ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات جامی.

روزنامه ها:

اختر مسعود، گلشن ایران پور، اصفهان
 اخگر، فتح‌الله وزیر زاده، اصفهان
 راه نجات، اصفهان، آرشیو دانشگاه اصفهان

اسناد:

اسناد و فرامین مربوط به آب و برق در دوران شاهنشاهی پهلوی، مرکز اسناد و آمار شاهنشاهی ایران،
 بانکداری در ایران در دوران شاهنشاهی پهلوی، مرکز اسناد و آمار شاهنشاهی پهلوی، گزارش
 تحت عنوان تحولات بانکداری ایران در پنجاه سال اخیر، وزارت امور اقتصاد و دارائی
 سند شماره ۳۱۵۶، آرشیو سازمان اسناد ملی کشور
 سند شماره ۱۰۱۹۲۰۹، آرشیو سازمان اسناد ملی کشور
 سند شماره ۱۱۷۶۴، آرشیو سازمان اسناد ملی کشور
 سند شماره ۳۳۰۱، آرشیو سازمان اسناد ملی کشور
 سند شماره ۱۰۶۳۳، آرشیو سازمان اسناد ملی کشور
 سند شماره ۳۴۹/۲۴۷-۳۵۰-۲۵۴، آرشیو سازمان اسناد ملی کشور

مجله:

تجویدی، اکبر (مرداد ۱۳۴۲) از آثار باستانی و زیبای کشور خویش نگاهداری کنیم، مجله هنر و

مردم، شماره ۱۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی